

روٹ اسنودن

---

❖ آشنايی با یونگ ❖

ترجمه‌ی سیمین بابایی لاکه



سرشناسه:	Snowden, Ruth
عنوان و پدیدآور:	آشنایی با یونگ / روث اسنودن
مشخصات نشر:	ترجمه‌ی سیمین بابایی لاهه
مشخصات ظاهری:	تهران: مصدق، ۱۴۰۰
شابک:	۱۱۲ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی:	978-622-6640-25-1
موضوع:	فیبا
موضوع:	یونگ، کارل گوستاو ۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م.
شناسه افزوده:	روانشناسی یونگی -- سویس -- سرگذشت‌نامه.
ردیهندی کنگره:	بابایی لاهه، سیمین، ۱۳۶۹، مترجم
ردیهندی دیوبی:	BF109
شماره کتابخانه ملی:	۱۵۰/۱۹۵۴
	۸۶۶۷۳۸۷



خیابان دانشگاه، چهارراه وحدت نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۰۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۶۸۸۵۱

[@mosadeghpub](#)

[@mosadeghpub](#)

[www.mosadeghpub.com](http://www.mosadeghpub.com)    [info@mosadeghpub.com](mailto:info@mosadeghpub.com)

### آشنایی با یونگ

روث اسنودن

ترجمه‌ی سیمین بابایی لاهه

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۴۰-۲۵-۱

ISBN: 978 - 622 - 6640 - 25 - 1

## فهرست

۵ .....	مقدمه
۹ .....	فصل اول: زندگی و حرفه‌ی یونگ .....
۱۹ .....	فصل دوم: دنیای درون یونگ .....
۳۹ .....	فصل سوم: کشف روان .....
۵۹ .....	فصل چهارم: رؤیاها و نمادها .....
۷۱ .....	فصل پنجم: شخصیت و روابط .....
۸۳ .....	فصل ششم: مذهب و معنویات .....
۱۰۱ .....	فصل هفتم: میراث یونگ .....



## مقدمه

کارل گوستاو یونگ<sup>۱</sup> (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان‌شناس و روانپژوه سویسی بود. او به دلیل پایه‌گذاری روشی جدید در روان‌شناسی که آن را «روان‌شناسی تحلیلی» نامید مشهور است. به مرور زمان او طرفداران بی‌شماری یافته است و امروزه در مانگران بسیاری با روش‌هایی که ریشه در فعالیت‌های یونگ دارند، آموزش دیده‌اند.

یونگ نویسنده‌ای پر کار بود و به موضوعات متنوعی از جمله نجوم، کیمیاگری، باستان‌شناسی و ادیان جهان علاقه داشت. روش روان‌شناختی که او بنانهاد تا حد زیادی یک رویکرد روان‌شناختی معنوی بود و این رویکرد، او را از جریانی که سرخختانه بر دیدگاه ماشینی تأکید داشت متمایز نمود. در دیدگاه ماشینی انسان‌ها به منزله ماشین‌هایی بودند که رفتارشان تحت تأثیر علل فیزیکی و یا شیمیایی تعیین می‌شد. یونگ رسوم آیینی متعددی را بررسی کرد و معتقد بود که زندگی معنوی فرد در فرآیند درمان، نقش حیاتی دارد. آنچه در نظر یونگ اهمیت داشت زندگینامه شخص بود، او تشخیص بالینی را بیشتر برای پزشک مفید می‌دانست تا بیمار.

یونگ اواخر قرن ۱۹ میلادی متولد شد؛ در دورانی که تغییرات اساسی در جامعه و به ویژه در حوزه علم اتفاق افتاد. در آن زمان افراد به دنبال حقایق

---

1. Carl Gustav Jung

جدید بودند و بیشتر به خودشناسی علاقه‌مند شده بودند: نظریه تکامل چارلز داروین انسان‌ها را برآن داشت تا درستی کتاب مقدس را زیر سؤال ببرند و زیگموند فروید موجب افزایش آگاهی انسان‌ها در مورد ضمیر ناخودآگاه شد. یونگ تأکید داشت که «روان» به اندازه جهان مادی حقیقی است. او خاطر نشان کرد که تمامی آگاهی‌های ما به وسیله مغز دریافت و تفسیر می‌شوند، از این‌رو ما هرگز نمی‌توانیم به طور قطع از حقایق دنیای بیرون آگاه شویم

روث اسنودن

## روان‌شناسی تحلیلی چیست؟

روان‌شناسی تحلیلی<sup>۱</sup> یک نظام کامل روان‌شناختی است که یونگ آن را به تدریج در طول عمرش گسترش داد. این ایده ریشه در تجربه شصت ساله‌ی او به عنوان یک روان‌شناس کارآزموده دارد. او تجربیات بیمارانش، رؤایها، تصورات، نمادها و دنیای درون خود را بررسی کرد. او در زندگی اش سفر و مطالعه‌ی بسیاری داشت و دریافت بن‌مایه‌های مشترکی در اسطوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف داشت. این مسئله او را به نظریه‌ی «ناخودآگاه جمیعی» رهنمایی ساخت - عemicترین بخش ناخودآگاه که فراتر از روان‌شناسی فردنگر بود - این یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در آموزه‌های یونگ مطرح می‌شود.

### روان‌شناسی تحلیلی جنبه‌های اساسی متعددی دارد از جمله:

- یک روش درمانی به منظور معالجه‌ی اختلالات روانی و عصبی و همین‌طور کمک به افراد عادی به منظور دستیابی به تعادل و خودآگاهی بیشتر.

---

۱. روان‌شناسی تحلیلی: نظامی روان‌شناختی که نخستین بار یونگ آن را گسترش داد.

- تلاش برای تهییه نقشه روان<sup>۱</sup> انسان به منظور فهم کامل چگونگی عملکرد آن.
- کشف جنبه‌های عمیق‌تر روان‌شناسی انسانی از طریق بررسی اعتقادات مذهبی، رؤیاها، اسطوره‌ها، نمادها و ماوراءالطبیعه.

---

۱. روان: «به کمک روان، کلیت فرآیندهای روانی از جمله خودآگاه و ناخودآگاه را درک می‌کنم». (کارل یونگ)

## فصل اول

### زندگی و حرفه‌ی یونگ

امروزه می‌توانیم یک طرح کلی از زندگی و حرفه‌ی یونگ ارائه دهیم. تا آنچاکه ما دریافتیم یونگ عمیقاً تحت تأثیر آموخته‌های مذهبی و روستایی اش قرار داشت و از نظر او جنبه‌های معنوی فعالیت‌هایش مهم‌ترین بخش آن بود. یونگ در دانشگاه پزشکی تحصیلات خود را ادامه داد و سپس تخصص خود را در رشته روانپژوهی گرفت. برای او دنیای پنهان روان به اندازه‌ی جهان بیرونی حقیقت داشت. او دریافت یکپارچه‌سازی جنبه‌های مختلف شخصیت، از مهم‌ترین وظایف زندگی و هدف روان‌شناسی تحلیلی به حساب می‌آید. او نظام نوین روان‌شناسی خود را به منظور تمایز از نظریه‌ی «روانکاوی» زیگموند فروید، که ابتدا استاد راهنمای او به حساب می‌آمد «روان‌شناسی تحلیلی» نامید.

یونگ اغلب، فردی غیرعادی به حساب می‌آمد و در میان اکثر دانشمندان ارتدوکس به عجیب بودن مشهور بود.

او شخصیتی گیرا و تأثیرگذار داشت و رفته رفته طرفداران بی‌شماری را پیدا نمود. در نهایت در سرتاسر جهان به شهرت رسید. او معمولاً قبراق و خوش برخورد بود، اما وقتی عبوس بود، تحمل کردنش واقعاً سخت بود.

### پيشينه‌ي خانوادگي يونگ

او متولد ۲۶ژوئيه ۱۸۷۵ در «کسویل»<sup>۱</sup>، روستايي کوچك واقع در حاشيه رود كنستان در سوييس بود. او فرزند دوم بود، اما فرزند اول خانواده اندکي بعد از تولد در گذشت. هنگامی که يونگ شش ماهه بود خانواده اش به روستاي ديگري به نام «لوفن»<sup>۲</sup> که در نزديکي مرز آلمان و فرانسه و آبشارهای راین قرار داشت، نقل مکان کردند. سپس بار ديگر جابه‌جا شدند و اين بار به «کلاين هونينگ»<sup>۳</sup> که آن زمان روستايي در حاشيه رود «راين» و در نزديکي شهر «بازل»<sup>۴</sup> بود، رفتند.

روستاي کوچكى که يونگ در آن متولد و بزرگ شد تا آخر عمر تأثير عميقى بر او گذاشت - مكانی آرام، عالمي روستايي متشکل از کوهستانها، درياچه‌ها، صخره‌ها، رودخانه‌ها و حيات وحشى غنى. نخستين خاطرات او مربوط به زمانی است که زير سايه درخت در گرمای يك روز تابستانی درون كالسکه‌اش دراز کشیده بود و معنای فوق العاده زيبا يي باشکوه را درک می‌کرد و به طرز غيرقابل توصيفی از ديدن تلاؤ پرتوهای خورشيد بر برگ‌ها و شکوفه‌ها احساس خوشبختی می‌کرد. يونگ عميقاً به طبيعت دلبسته بود و رابطه روحی عميقی با تمامي موجودات زنده داشت. او شيفته‌ي آرامش و تنهائي حاصل از زندگي در طبيعت بود و زمان‌های زيادي را در تنهائي صرف فكر کردن، نوشتمن و کشف آرامش درون خود می‌کرد. ارتباط عميقی با عناصر موجود در زمین داشت که در نقاشي‌ها و کار او با سنگ و چوب نمایان بود. حيوانات برای او اهميت فراوانی داشتند - او همواره دوست داشت سگش همراهش باشد - و اغلب در مورد پدیده‌اي به نام «هم‌زناني» سخن می‌گفت که از طبيعت به سراغش می‌آمد.

1. Kesswil

2. Laufen

3. Klein- Huningen

4. Basel

هنگامی که یونگ ۹ ساله بود، خواهرش گرترود متولد شد، اما او نقش اندکی در کودکی یونگ داشت. اختلاف سنی زیادی بین آنها وجود داشت و خلق و خویی متفاوت داشتند. کارل کوچک منزوی بود و دوست داشت تنها بازی کند و غرق دنیای درون خود باشد. گرترود بسیار ضعیف و حساس بود و عمر چندانی نکرد. به گفته‌ی یونگ خواهرش همیشه برای او به مانند یک غریبه بود. یونگ شخصیتی عاطفی داشت، ولی خواهرش با وجود این که بسیار حساس بود، اما هرگز احساساتش را بروز نمی‌داد، با وجود اینکه بسیار حساس بود. بسیاری از خویشاوندان یونگ کشیش بودند - هشت تن از عموهای او کشیش بودند - پدرش کشیش کلیسا اصلاح شده‌ی سویس بود و آموزه‌هایش شدیداً تحت تأثیر تعالیم اصلاح شده‌ی رهبران قرن شانزدهم میلادی از جمله کالون و لوتر<sup>۱</sup> قرار داشت. کلیسا اصلاح شده به مردم می‌آموخت تا صرفاً به معنای تحت‌اللفظی کتاب مقدس را باور داشته باشند و در غیر این صورت مورد لعن قرار می‌گرفتند. پدر یونگ به مسائلی از قبیل خاورشناسی و مطالعات کلاسیک بسیار علاقه‌مند بود، اما بی‌چون و چرا تعالیم کلیساش را پذیرفت. یونگ بعدها گفت که در دوران کودکی واژه پدر برای او تداعی‌گر «اعتماد» و در عین حال «ناتوانی» بود.

مادر یونگ هم به آموزه‌های این کلیسا باور داشت و از آنجایی که خانواده‌اش شدیداً به ارتباط با عالم ارواح باور داشتند، اعتقاداتش پیچیده‌تر بود. اعتقادات مشرکانه کهنه، کماکان در ذهن مردم روستانشین سویس رواج داشت. یونگ مادرش را فردی قدرتمند و سرزنشه، اما غیرقابل پیش‌بینی و مرموز می‌دید. ازدواج والدینش چندان بی‌دردسر نبود و شاید علت این بود که شخصیت و باورهای متفاوتی داشتند. مادرش زنی صمیمی، برونگرا<sup>۲</sup> و

1. 1.Calvin & Luther

2. برونگرا: یک منش روان‌شناختی که در آن شخص انرژی روانی خود را به جهان پیرون متمایل می‌سازد.

پرحرف بود در حالی که پدرش مردی عالم و درونگرا<sup>۱</sup> بود. هنگامی که یونگ سه ساله بود مادرش چندین ماه به علت مشکلات عصبی در بیمارستان بستری شد.

احتمالاً تفاوت خلق و خوی والدینش در ایجاد شخصیت دوگانه‌ی یونگ نقش داشت؛ ویرگی ای که یونگ بعدها متوجه آن شد. او احساس می‌کرد شخصیتش به دو نیم تقسیم شده است: شخصیت شماره یک و شخصیت شماره دو.

- شخصیت شماره یک با جهان بیرونی ارتباط داشت. این بخش از شخصیت یونگ جاهطلب و تحلیلگر بود و به جهان نگاهی علمی داشت.
- شخصیت شماره دو که مرموز و مبهم بود، اغلب با دیدی شهودی به همه چیز می‌نگریست.




---

۱. درونگرا: یک منش روان‌شناسختی که در آن انرژی روانی شخص به افکار و عواطف خود فرد متمایل می‌گردد.

### خلاصه‌ای از سوابق حرفه‌ایی یونگ

**مدرسه:** یونگ به مدرسه‌ی روستایی رفت و بسیار باهوش‌تر از همکلاسی‌هایش بود. او از بودن در کنار سایر کودکان لذت می‌برد، اما برای او صمیمی شدن با دیگران ساده نبود، زیرا عادت داشت به تنها‌یابی بازی کند. در سن یازده سالگی به مدرسه‌ای در شهر بازد رفت، اما آنجا هرگز خوشحال نبود، از نظر پسران دیگر، یونگ فردی عجیب بود و به همین دلیل او را دست می‌انداختند. اما مشکلات دیگری هم وجود داشت، درس‌ها از نظر او کسالت‌آور بودند و احساس می‌کرد که وقتی را تلف می‌کند.

**دانشگاه:** فقر خانوادگی مانع تحصیل او در دانشگاه یک شهر دور شد، بنابراین در سال ۱۸۹۵ پس از پایان مدرسه در دانشگاه بازیل پذیرفته شد. او قصد داشت در رشته باستان‌شناسی تحصیل کند، اما این رشته در دانشگاه بازیل تدریس نمی‌شد، بنابراین او رشته پزشکی را انتخاب نمود. انتخاب رشته‌ی پزشکی در خانواده‌ی او بی‌سابقه نبود، پدر بزرگ پدری یونگ تا سال ۱۸۶۴ استاد جراحی دانشگاه بود. پس از فارغ‌التحصیلی در رشته‌ی پزشکی در سال ۱۹۰۰، یونگ تقریباً مصمم بود تا دوره‌ی تخصص خود را در رشته جراحی بگذراند، اما شدیداً به روانپزشکی علاقه‌مند شد و در نهایت به این مسیر گام نهاد. او دریافت که بهترین روش برای درآمیختن علائق علمی‌اش با تمایلات مذهبی و ماوراء‌الطبیعه‌اش دنبال کردن این مسیر است.

### نخستین ملاقات

یونگ در سال ۱۹۰۰ به عنوان دستیار در بیمارستان بورگولزلی<sup>۱</sup> مشغول به کار شد و در سال ۱۹۰۵ در دانشگاه مونیخ به سمت استادی روانپزشکی

---

1. Burgholzli

منصوب گردید. او به بررسی اختلالی که آن را «زوال عقل زودرس» می‌نامید، بسیار علاوه‌مند بود. این بیماری بعدها با عنوان «اسکیزوفرنی» شناخته شد. یونگ در سال ۱۹۰۹ بیمارستان را ترک کرد، از این‌رو فرصت یافت تا با بیماران خصوصی کار کند. همچنین او قصد داشت بر تحقیقات در خصوص جنبه‌های روان‌شناختی رفتار و دنیای درونی «ناخودآگاه» تمرکز کند.

### به رسمیت شناختن جایگاه او

در سال ۱۹۰۷ یونگ با فروید ملاقات نمود و آنها چندین سال رابطه‌ی صمیمانه‌ای داشتند. او به عنوان نخستین رئیس انجمن بین‌المللی روانکاوی فروید و در عین حال سردبیر اولین نشریه‌ی این انجمن که در نوع خود بی‌سابقه بود، انتخاب شد. در نهایت طرز فکر مستقل یونگ موجب اختلافش با فروید شد. او مکتب روان‌شناسی خود را گسترش داد و در سال ۱۹۳۳ به عنوان رئیس انجمن بین‌المللی پزشکی عمومی با رویکرد روان‌درمانی انتخاب شد. در سال ۱۹۳۶ هنگامی که دانشگاه هاروارد به مناسبت جشن سیصد سالگی اش از دانشمندان برجسته و در قید حیات برای اعطای مدارک افتخاری دعوت نمود، یونگ هم یکی از آنها بود. از آن پس شهرت یونگ فزونی یافت و از آنجایی که مشتاقانه اندیشه‌های خود را با دیگران به اشتراک می‌گذاشت به عنوان رئیس پژوهش‌های بین‌المللی روان‌شناسی انتخاب شد. حتی در دوران کهنسالی به عنوان فردی خوش صحبت شناخته می‌شد که اطلاعات گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف داشت. شخصیت گیرا و تأثیرگذار او موجب شد تا طرفداران زیادی پیدا کند.